

دومین قلعه دختر کرمان

قلعه دختر حوضِ دق

مؤلف:

مجید باغینی پور

ناشر:

انتشارات ولی با همکاری مرکز کتب خان مناسی

پاییز ۹۵

سرشناسه: مجید باغینی پور، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدید آور: دومین قلعه دختر کرمان: قلعه دختر حوض دق / مولف مجید باغینی پور.
مشخصات نشر: کرمان: انتشارات ولی، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص: مصور.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۶-۹۰-۵: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۶-۹۰-۵ ریال وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: صنعتی زاده، همایون، ۱۳۰۴ - ۱۳۸۸. موضوع: قلعه دختر حوض دق
موضوع: (Dokhtar Hawz Daq Castle (Kerman, Iran)
موضوع: کرمان - آثار تاریخی Kerman (Iran) -- Antiquities

سازمان افزوده: مرکز کرمان شناسی رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ب ۲ ۱۳۹۵/۲۵۲ DSR ۲۱۱۵
رده بندی دهی: ۹۵۰۲۲۲ شماره کتاب شناسی ملی: ۴۳۴۳۶۲۷

انتشارات

عنوان کتاب:	دومین قلعه دختر کرمان: قلعه دختر حوض دق
مؤلف:	مجید باغینی پور
ناشر:	انتشارات ولی با همکاری مرکز کرمان شناسی
مدیر مسئول:	سید محمد علی گلاب زاده
تنظیم، صفحه آرایی:	لیلا گهرگزی
طرح روی جلد:	مهسا مهربان پناه
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۶-۹۰-۵
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۵
قیمت:	۱۴۰۰۰ ریال
شمارگان:	۳۰۰ نسخه
چاپ و صحافی:	هنگام

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان هزار و یکشب - کوچه پنجم - پلاک ۲۶ - همراه: ۰۹۱۳۱۴۰۳۰۷۱
فکس: ۰۳۲۴۶۲۴۶۴ - تلفن: ۰۳۲۴۷۱۴۱۲ - ۳۲۴۴۳۹۷۰ - کد: ۰۳۲

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	مقدمه
۲۰	۱. گشتی یک «پاراگراف» در قلعه دختر حوض دق
۲۱	۲. در باره قلعه ، و موقعیت دو قلعه دختر کرمان
۳۰	۳. بازدید از قلعه دختر حوض دق
۹۶	۴. در باره سفال های قلعه دختر حوض دق
۱۰۰	۵. در باره دو برج غربی و شرقی محوطه
۱۰۴	۶. چند نکته پایانی

۸. ————— ♦ دومین قلعه دختر کرمان: قلعه دختر حوض دق

۷. سخن پایانی ۱۲۱

یادداشت ها ۱۳۴

فهرست منابع ۱۳۸

عکس ها و پوست ۱۴۱

www.ketab.ir

مقدمه ناشر:

کهن سرزمین کرمان با آمیزه‌ای از ارزش‌های گوناگون در بستر زمان، همچنان حضوری کارا و مؤثر دارد. در جای جای این خطه زرخیز آثاری باقی مانده که هر یک رده پای تاریخ به شمار می‌روند. یکسو بناهای شگفت‌انگیز کلاسیک ها که گوئی هزاران معمار و بنا و کارگر در طول قرن‌ها به دست آن همت گمارده‌اند، کمی آن طرف‌تر، لب‌های داغمه بسته ریگ یابان، به عنوان گرم‌ترین نقطه جهان، بوسه‌گاه خورشید است و ... در این میان بناهایی باقی مانده که صدای پای مردان و زنان از پشت دیوارهای زمان بگوش می‌رسد و چون نگینی بر پیشانی تاریخ می‌درخشند.

یکی از این مجموعه‌های گرانقدر، قلعه‌ها هستند که نمونه‌های گوناگون آن در شهرهای مختلف دیده می‌شود. از قلعه سموران - در جنوب - که بلندای آرزوهای برباد رفته ایرانشاه به چشم می‌خورد، تا قلعه سنگ سیرجان که تصویری از دلبستگی گودرز - کوتوال قلعه - و درنده‌خویی ایدکو برلاس تیموری را ارائه می‌دهد و قلعه اناب و حر که روی دیوار پهن و بلند آن سواری با اسب در رفت و آمد بود و ... قلعه دختر و قلعه اردشیر و قلعه دوم کرمان که هر یک صدها خاطره تلخ و شیرین را در سینه خود دارند.

درست است که قلعه‌ها کاربرد نظامی و امنیتی داشتند، اما این گونه بناها به عنوان شاهکار معماری و نیز دارای اهمیت بسیارند، چه تدابیری در ساخت قلعه دختر و قلعه دختر دوم بکار رفته بود که با یقین و باوری در خور ستایش، آن را دست‌نیافتنی می‌دانستند و بر این عقیده بودند که همان گونه که دختران باکره هستند و کسی را یارای دست‌یابی به آن‌ها نیست، قلعه دخترها نیز همواره بکر و دست‌نخورده باقی می‌ماند و آبروی گشودنشان بر دل هر یورشگر بی‌تدبیری باقی می‌ماند. اطمینان حاصل می‌شد که ترنشینان وقتی بیش‌تر می‌شد که قامت بلند قلعه دختر دوم یا همان حوض دق را روی خود می‌دیدند، زیرا می‌دانستند هرگونه یورش به زوای شمالی - یعنی جایی که بیش‌ترین حمله به کرمان از آن‌جا صورت می‌گرفت - از نگاه تیزبین محافظین قلعه دوم دور نمی‌ماند و در صورت پیدا شدن گرد و خاک سم‌ستوران شورشیان، آنی آتشی بر می‌افروزند و با باران موزون و رقصی که چگونگی آن از پیش، بین آن‌ها تعریف شده است، سائیدن قلعه دختر اول را آگاه می‌سازند.

این قلعه در ۱۰ کیلومتری جاده کرمان - زرنده قرار گرفته و با وسعتی قریب ۲۰ هکتار از جمله بزرگ‌ترین قلعه‌های کوهستان کسور به شمار می‌رود و پیشینه‌ای در حدود قلعه‌های دختر اول و قلعه اردشیر - واقع در خیابان زریسف کرمان - دارد. بلندای این قلعه از زمین نزدیک ۴۰۰ متر و راه ورودی آن، تنگه باریکی است که در سایه‌انداز شمالی صخره قرار دارد. برخی قسمت‌های قلعه تا اندازه‌ای برجاست، از جمله خرابه‌های محافظ دروازه و بقایای دیوارها و استحکامات اصلی قلعه.

مخازن آب که گنجایش بعضی به چند صد هزار لیتر می‌رسد، تعداد این مخازن و آب انبارها به ۱۱ مجموعه می‌رسد و ... ویژگی‌های دیگری که در این اثر آمده است.

اصولاً دژها یا قلعه‌ها در گذر روزگاران، به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم نظامی و امنیتی، مورد توجه ویژه بوده است. این بناها بیشتر در جاهایی ساخته می‌شد که دارای خواص تاکتیکی نظامی بودند یا بر محور راه و راه کاروانیان تسلط داشتند. قلعه‌ها هم محل حضور سربازان و نیروهای امنیتی بود و هم سلاح‌های مورد نیاز برای برقراری امنیت و رویارویی با دشمن نگهداری می‌شد. بر این اساس و بنا به نیاز موجود، متراژ آن‌ها فرق می‌کرد. معمولاً قلعه‌ها ۴۰ در ۸۰ متر بودند و کلفتی حصار ۲/۵ متر و بنای آن ۲ متر بود. در چهار گوشه قلعه، چهار حصار استوانه‌ای شکل با بیرونی‌آمده می‌شد. در داخل بخش‌هایی که در تیررس دشمن بود، سنگ‌های بزرگ قرار می‌دادند تا مقاومت بیشتری داشته باشد. گاهی برای درهم شکستن تن مهاجمین دور تا دور قلعه را خندق می‌کنند تا در موارد جدی بودن خطر، آن را آب کرده و راه عبور انسان و یا چهارپایان را ببندند.

این گونه به نظر می‌رسد که قلعه‌ها پشته‌ها یا تپه‌ها بودند، به همین دلیل بیشترین ضریب اطمینان را برای آن‌ها در نظر می‌گرفتند، قلعه دختر اول و دوم در کرمان - ارگ در بم - قلعه سلیمانی در جیرفت - قلعه سموران در عنبرآباد و ... بیانی و نشانی از این واقعیت است.

بی گمان عملکرد این قلعه‌ها، در قالب پایگاه‌های ژاندارمری، کمکرسانی، پناهگاه دفاعی، بازرسی و سرانجام، پشته‌های برای

ستون‌های نظامی بوده و به تمامی، کارکرد نظامی داشته است. در برخی موارد، همین مجموعه‌ها با افزایش صحن و افزودن اتاق‌ها و سایر مایحتاج مسافران، جنبه پذیرایی از کاروانیان تجاری را پیدا کرده و عملکردشان مشابه کاروانسرا شده است. شاید استفاده از قلعه‌های بزرگ نظامی، برای اسکان موقت مردم یک شهر یا روستا، در راستای رسالت پاسداری از جان مال مردم مطرح بوده و نیروهای نظامی، خود را در این مورد مسئول دیده‌اند. «جایگزینی مردم در قلعه با ملاحظات جغرافیایی و اجتماعی همراه بود است نه خستین علت آن را مسائل ایمنی باید ذکر کرد. امنیت محل مملکتی خود در قلعه‌ای با دو خانوار جمعیت یا در شهر بزرگ، تنها جنبه دفاعی در جنگ و جدال‌ها یا اغتشاش در روستاها یا ترس از راهزنان نبوده بلکه تسلط مطلق بر ملک و ملک بر محلی محدود و محصور می‌شده و روستائیان نیز در اجتماع قلعه‌نشینی بهتر حوائج خود را با همکاری و کمک هم حل و فصل می‌کنند. در داخل قلعه، زن و فرزند و احشام را می‌توان برای مدتی به هم‌سایه سپرد. بزرگ خانواده می‌تواند به سفر رود و حتی چند سالی از کسان دور باشد. نگاهداری احشام در محیط محصور قلعه سهل است و ترسی از گرید و واراض جوی یا جانوران درنده در بین نیست.»^۱

براین اساس استفاده از قلعه نظامی معتبری چون ارک بزم، برای اسکان عمومی در برخی موارد، با همین انگیزه صورت گرفته است. البته وجود چنین ارگ‌هایی پشتوانه اطمینان کاروان‌های راه بود، به سخنی

^۱ - مستوفی، احمد، (۱۳۵۱)، شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۴۰.

دیگر ای بسا اگر قلعه‌ای این چنین مستحکم و استوار در بزم وجود نداشت، راهی به نام راه ادویه هم در این مسیر شکل نمی‌گرفت زیرا شرط رفت و آمد در درازی یک راه در گذشته به شرایط ایمنی منطقه بستگی داشت. این قلعه‌ها یا حتی ساخلوبی^۱ از سوی پادشاه در آن جا مسئولیت گذراندن قافله‌ها را به عهده داشت.

اگر چه پیشینه این مجموعه‌ها به روزگار هخامنشیان و ساسانیان بازمی‌گردد، اما به ندرت تغییرات اساسی و بنیادی در آن‌ها می‌توان دید، جز این که در برخی دوره‌های تاریخی براساس سلیقه و نوع نگرش هنری و حکومتی نژاد است نارجی آن فرق کرده و با همان مصالحی که در ساخت آن‌ها به کار رفته است، نقوشی بر بدنه بنا ایجاد کرده‌اند.

قرار گرفتن ایران در مسیر چهار راه اقوام مهاجم، عزم نیاکان ما را برای ساختن قلعه، استوارتر کرد، این دشمن گاه آن چنان محکم ساخته می‌شدند که قابل دسترسی نبودند. آن‌ها بر بلندی بنا می‌شدند و ضریب اطمینان بالایی داشتند نمونه‌اش ارگ بیداس^۲ است که هم از تمامی این ویژگی‌ها برخوردار بود و هم خندقی گرداگرد داشت که در موارد ضروری از آب پر می‌شد. این دژ ماندگار، یادگار روزگار پیش از اسلام است و پیشینه‌ای بیش از ۲۰۰۰ سال دارد. قلعه‌های دیگری نیز وجود داشته است.

مسئله قلعه و برج آنقدر اهمیت داشت که هر منطقه یا شهر و ولایتی دارای قلعه بود، قدرتمند به حساب می‌آمد، آن گونه که واژه

^۱ - پادگان یا گروهی سرباز که در یک جا ساکن شوند و به محافظت آن بپردازند.

بورژوازی به معنی سرمایه‌داری و اشراف‌زدگی از همین قلعه آمده است، برج نیز همین وضعیت را داشت، آن گونه که امروز هم وقتی می‌خواهیم از ثروت کسی سخن بگوئیم او را برج‌دار خطاب می‌کنیم. «این که بسیاری از شهرها و آبادی‌های اروپا با کلمه بورگ، یا بروگ و بورو شهرت یافته، به همین دلیل است که تنها وجود این برج‌های دفاعی، می‌توانست مَورث آبادانی و حفاظت راه‌ها و آسایش مردم باشد، و آن کسانی که برج و قلعه داشته‌اند، در واقع مالک رقاب آن نواحی بوده‌اند و همان‌ها هستند که در قرون اخیر، که سیم‌بندی تاریخ بر اساس طبقات اجتماعی صورت گرفت، به نام برج **Bourgeois** معروف شدند که در واقع به مفهوم برج‌دار و صاحب برج و قلعه تلقی می‌شده‌اند، و هر کدام از این‌ها به نوبه خود، یک شه‌دوست خان بیری بوده‌اند و قلعه بمپورش، یا سردار حسین خان بلوچ با قصر قندش ...

این بورژوا که من نام بردم، مقصوده است از آنست که قلعه و برج و بارو در ده و شهر خود دارد، و به کمک این قلعه و بار مسلط بر یک پهنه از سرزمینی است که ده‌ها و صدها قریه و قصبه در آنجا پراکنده است و تابع او هستند، و به کمک هم، نظامی به وجود آورده که ده‌ها سال شاید هزارها سال — قبل از حلول قرن نوزدهم — ساری و جاری بوده است. یکی از کارهائی که برخی حاکمان معتقد بودند با انجام آن ماندگار می‌شوند، ساختن برج و قلعه بود، آن گونه که وقتی ابوعلی محمد بن الیاس بر کرمان مسلط شد، نخستین کار او ساختن برج و بارو در شهر

بود. اقدام الیاس آن قدر مهم و ارزشمند بود که ابوحامد افضل کرمانی بطور مفصل به آن پرداخته است. «... ابوعلی محمد بن الیاس که نام او بر دروازه خبیص نبشته، عمارت بارو کرده است، و خندق، و قلعه کوه، و قلعه نو، و بعضی از قلعه‌های کهن از بناه‌اء اوست، و گویند از قلعه کهن، گنبدی که او را گنبد گبر خوانند از عمارت‌های قدیم است و نام بانی آن نیستند، و گویند آن کس که آن گنبد کرد گفت: بنیت قصرأ بین جنتین، یعنی کوشکی میان دو بهشت بنا کردم، چه از یک جانب ریاض و حدائق دیدار است، و در بالیجانست و از جانب دیگر بساتین و مزارع زریسف و فرمیش است. امروز به بالیباد (بعلیباد) که بالای سرآسیابست هنوز منسوب به همین اعلی است، و قلعه ای که او در آن جا ساخته بود وجود دارد. این ظاهرأ همان همانی است که افضل کرمان نیز از آن به نام «رباط بعلیباد» نام می برد. یک لمعة نلامی بوده است.»^۱

جالب است که قلعه دوم دختر یا حوض دق در سفر مقام معظم رهبری به کرمان، مورد توجه ایشان قرار گرفت در آن سفر، شبی آقای کریمی استاندار وقت کرمان با من تماس گرفتند و من شرحی که از بیان آن می‌گذرم، گفتند، عصر امروز که در خدمت رهبری به زرنده می‌رفتیم، در بین راه با اشاره به بنایی که بر فراز ارتفاع خودنمایی می‌کرد، از من پرسیدند، این بنا چیست؟ گفتم، متأسفانه نمی‌دانم. اما می‌پرسم و عرض می‌کنم ... حالا شرحی تهیه کن که به ایشان تقدیم شود این کار صورت گرفت و ظاهرأ مورد توجه رهبری نیز واقع شد.

^۱ - باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۸)، هشت الهفت، تهران: انتشارات نوین، چاپ دوم.